گزارش

قالیباف: رفع فیلتر تلگرام دنبال می‌شود

محمدباقر قالیباف با اشـاره به سیاست‌های دشـمن در جنگ ۱۲روزه تأکیـد کرد: ما در این جنگ غافلگیر نشـدیم، اما نـوع طراحی و عمل دشمن که یک تجاوز تروریستی و اقدام هیئت حاکمه تبهکار رژیم صهیونیستی بـا کمک آمریکا بود مـا را غافلگیر کرد. محمدباقـر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسـلامی، در آغاز دومین نشست خبری خود در مجلس دوازدهم، در جمـع اصحاب رسـانه بیان کرد: بـه خبرنگاران داخلـی و خارجی، اعضای هیئت‌رئیسـه و حاضران در جلسـه، از حضور نمایندگان رسانه‌ها خیر مقدم می‌گویم. او با اشاره به فرارسیدن هفته مجلس و روز مجلس، این مناسبت را بـه نمایندگان زحمت‌کش، پرتلاش و دغدغه‌مند مجلس شـورای اسـلامی تبریـک گفت و یاد و نام شـهید آیت‌الله مـدرس را که این روز به نام ایشـان نام‌گذاری شـده گرامی داشت. همچنین یاد شهدای مجلس شورای اسلامی، شـهدای جنـگ تحمیلـی ۱۲روزه و به‌ویژه شـهید عباسـی، از نمایندگان و دانشمندان هسته‌ای کشور را گرامی داشت.

در جنگ غافلگیر نشدیم

رئیس مجلس با اشـاره به سیاسـت‌های دشـمن تأکید کرد: ما در این جنگ غافلگیر نشـدیم، اما نوع طراحی و عمل دشـمن که یک تجاوز تروریسـتی و اقدام هیئت حاکمه تبهکار رژیم صهیونیستی با کمک آمریکا بود ما را غافلگیر کرد. قالیباف با بیان اینکه در نخسـتین لحظات تجاوز با درایت و شـجاعت و تصمیم‌های دقیق و هوشـمندانه مقام معظم رهبری سرداران و فرماندهان توجیه و وارد میدان شدند، گفت: اگرچه با چند ساعت تأخیر، اما کشور قاطعانه در برابر دشـمن ایسـتاد. در حدود پنج روز اول جنگ ۱۲روزه، تسـلط کافی بر آسمان و زمین دشمن صهیونیستی پیدا کردیم. رئیس مجلس شورای اسلامی با اشاره به توانمندی‌های دفاعی و نقش مردم در موفقیت در جنگ تحمیلی ۱۲روزه، تأکید کرد: در کمتر از پنج روز تسـلط کافی بر آسـمان و زمین دشمن صهیونیستی حاصل شد و همین امر موجب شد دشمن در روز ششم و هفتم به دنبال توقف آتش و آتش‌بس به هر قیمت باشد.

می‌توانیم درآمد ارزی کشور را به اندازه درآمد فعلی افزایش دهیم

قالیباف با اشـاره به سهم‌بندی موجود در برنامه هفتم گفت: در برنامه فعلی ۲.۸ درصد بهره‌وری و ۵.۲ درصد سـرمایه‌گذاری دیده شـده، اما می‌توان این سهم را جابه‌جا کرد. ما می‌توانیم از محل بهره‌وری در دو حوزه اصلاح انرژی و اصلاح بخش معدن درآمد ارزی کشور را به اندازه درآمد فعلی افزایش دهیم. ایـن کار با مدیریت صحیح، جلوگیری از هدررفـت انرژی و همراه‌کردن مردم امکان‌پذیر اسـت. او با بیان اینکه در کوتاه‌مدت، با تمرکز بر کالاهای اساسـی، کالابرگ الکترونیک و مسکن، می‌توان در افزایش قدرت خرید مردم اثر گذاشت، تصریح کرد: همچنین با بهبود بهره‌وری در حوزه سـلامت، می‌توان پرداخت از جیب مردم را به شـکل قابل توجهی کاهش داد. قالیباف با بیان اینکه این اقدامات از همین ماه‌های پیش‌رو تا پایان سـال قابل انجام اسـت، تأکید کرد: می‌توانیم تا پایان برنامه و در افق یک دهه تا سـال ۱۴۱۴ کشـور را در مسـیر پیشرفت قرار دهیم. در کنار این، با وجود ظلم تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا، باید با اقتدار مسیر را پیش ببریم. او افزود: ممکن است پرسش‌هایی در ذهن عزیزان درباره چگونگی تحقق این اهداف شکل گرفته باشد که می‌توان در جلسه به آنهـا پرداخت. بحث من حدود ۱۰ تا ۱۲ دقیقه شـد و از این لحظه در خدمت دوستان برای شنیدن پرسش‌ها و ارائه پاسخ‌های صریح و صحیح هستم.

یارانه ۴۵ هزار تومانی معادل ۴۵ سنت شده است

قالیباف گفت: باید موضوع نیاز دو هزار و ۱۰۰ کالری به ازای هر فرد و نیازهای پزشـکی در نظر گرفته شـود تا مردم بتوانند همه نیازها و ویتامین‌ها را تأمین کنند. پولی که به صورت ریالی داده می‌شـود، با افزایش تورم فایده‌ای ندارد. یک روز یارانه ۴۵ هزار تومانی معادل ۴۵ دلار بوده و امروز معادل ۴۵ سـنت شـده اسـت. رئیس مجلس بیان کرد: برای کمک به مـردم باید قدرت خرید را حفـظ کرد؛ یعنی مردم بدانند امسـال مثلا ۱۰ قلم کالای اساسـی را با یک قیمت خریداری می‌کنند و در سـال بعد، به میـزان افزایش حقوق کارمندان و کارگران، به همان نسـبت کالا گران می‌شـود. منابع تأمین مابه‌تفاوت نیز در قانون پیش‌بینی شـده است. قالیباف ادامه داد: امسال بیش از هشت میلیارد دلار به کالای اساسـی با ارز ۲۸ هـزار و ۵۰۰ می‌دهیم و با همین ارز در حوزه سلامت ۳.۵ تا چهار میلیارد دلار ارز می‌دهیم که این غیر از یارانه ریالی است. او گفت: اشـکال این اسـت که ارز را در ابتدای زنجیره به واردکننده کالاهای اساسـی و نهاده‌ها می‌دهیم. این منابع را در صندوق برای کالابرگ گذاشـته و تبدیل به ریال کنیم، نه اینکه انحصار در دسـت چند نفر باشـد و به آنها ارز ترجیحی بدهیم. این کار رانت اسـت و باعث فسـاد می‌شود. اجازه دهیم که ۲۰۰ نفـر کالا با تعهد ارزی وارد کنند و اگر هم تعهد ارزی ندارند با هر ارزی و بـا هر عددی وارد کنند تا رقابت در واردات باشـد، نه اینکه ۱۰ میلیون ذرت را پنج یا ۱۰ نفر وارد کنند.

می‌توانیم از کشورهای همسایه شمالی واردات دام داشته باشیم

قالیباف اضافه کرد: ۳۵ درصد تولید مرغ و تخم‌مرغ فقط در سه استان شمالی است. ما می‌توانیم واردات دام از کشورهای همسایه شمالی داشته باشیم که بندر داریم و ریلی تخلیه و هزینه حمل‌ونقل کمتر می‌شود؛ این فقط یک مثال است. مرغ با ارز ۲۸ هزار و ۵۰۰ وارد می‌شود و مردم باید ۱۱۰ بخرند اما اکنون مرغ را ۱۸۰ تا ۲۰۰ هزار تومان می‌خرند.

فیلترینگ به شکل موجود را اشتباه می‌دانم

قالیباف در پاسخ به پرسش دیگری درباره فیلترینگ و استفاده از سیم‌کارت‌های سـفید و رفع محدودیت‌ها و حل معضل آن گفت: فیلترینگ به شکل موجود را اشـتباه می‌دانم. فیلترینگ در زمان بحران و حوادث و جنگ و حتی تا قطع اینترنـت که در جنگ ۱۲روزه بود، امر طبیعی و مشـخص اسـت که در همه دنیا هم رخ می‌دهد اما وقتی بحران و جنگ نیسـت، فیلترینگ به این شـکل کار صحیحی نیسـت. او ادامـه داد: فیلترینگ می‌گوییم امـا درصد بالایی از وی‌پی‌ان اسـتفاده می‌کنند و این آسیب بیشتری وارد می‌کند. در این وضعیت شبکه مجازی ناامن بوده و امکان دسترسی‌ها و هک دشمنان بیشتر می‌شود. رئیس مجلس اظهار کرد: از آن طرف اگر فیلترینگ به همین شـکل لغو شود اما حکمرانی در فضای مجازی نباشد، امکان‌پذیر نیست. پس بدون حکمرانی در فضای مجازی بخواهیم بگوییم هیچ محدودیتی برای فضای مجازی لازم نیست، شـدنی نیست و در هیچ کشـوری هم وجود ندارد. حکمرانی فضای مجازی فقط امنیتی نیست، بلکه بعد اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و مالی هم است؛ پس باید حکمرانی باشد.

رفع فیلتر تلگرام دنبال می‌شود

او گفت: در جلسه سران و شورای عالی فضای مجازی بحث شد و نهایتا طرح در شـورای عالی فضای مجـازی با ۳۲ بند آمد. ایـن ۳۲ بند حکم حکمرانی در فضـای مجـازی را قطعی می‌کند و هم‌زمان بـا پیش‌رفتن این حکمرانی، فضای مجازی باز می‌شـود. این ۳۲ بند ترتیب و توالی دارد. بـر همیـن اسـاس واتس‌اپ رفـع فیلتر شـد و تلگرام هم دنبال می‌شود.

ادامه در صفحه ۱۰

چشم‌انداز همکاری‌های تهران-پکن در عصر اسنپ‌بک در گفت‌وگو با اسماعیل بشری و حامد وفایی

چین امروز و ایران پساماشه

عبدالرحمن فتح‌الهی: با فعال‌سـازی مکانیسم ماشه در آگوست ۲۰۲۵ و بازگشـت تحریم‌های شـورای امنیت، ایـران وارد دوران پساماشه شـد و سیاست «نگاه به شـرق» به شکل بی‌سابقه‌ای تقویت شـد. هم‌زمان، چرخش راهبـردی آمریکا از خاورمیانه به آسیا-پاسـیفیک که از دوران اوباما آغاز شـده بـود، در دوره‌های ترامپ و بایدن تداوم و تشدید یافت و تنش پکن-واشنگتن به یکی از خطوط تعیین‌کننده قرن بدل شد. در چنین شرایطی، تهران برای مقابله با فشار غرب، تمام گزینه‌های استراتژیک خود را در سبد چین و روسیه قرار داد. با این حال، ماهیت روابط با چین و روسیه متفاوت اسـت: روسیه عمدتا شریک سیاسـی-امنیتی و معامله‌گر است، درحالی‌که چین نگاهی اقتصـادی دارد و نقش اصلی‌اش تأمین نفت و بازار کالاهای صنعتی اسـت. توافق ۲۵ سـاله پرطمطراق عملا محدود بـه تجارت خودرو و زیرسـاخت‌های کوچک باقی مانده و سرمایه‌گذاری وعده داده‌شده محقق نشده است. حتی در جریان جنگ ژوئن ۲۰۲۵، چین تنها به صدور بیانیه‌های دیپلماتیک بسنده کرد. در این چارچوب، اسـماعیل بشری، پژوهشگر پیشین مرکز تحقیقات اسـتراتژیک و حامد وفایی، استاد مطالعات چین دانشـگاه تهران، چشـم‌انداز پیچیده روابط تهران-پکن را بررسی کردند. پرسش‌های بنیادین این تحلیل شامل اعتمادپذیری چین در شرایط تحریم‌های حداکثری ایران، هم‌پوشانی منافع پکن با بقای راهبردی جمهوری اسـلامی و ارزیابی «نگاه به شـرق» به‌عنوان استراتژی نجات‌بخش یا نسخه‌ای پیچیده از وابستگی تاریخی بود. سخنان این دو پژوهشگر، دریچه‌ای روشن به یکی از حساس‌ترین پرونده‌های سیاست خارجی ایران در دوران پساماشه ارائه می‌کند.

می‌خواهیـم گفت‌وگویی تحلیلـی درباره مناسـبات ایران و چین در دوران پساماشـه داشته باشیم، به‌ویژه پس از فعال‌سازی مکانیسم ماشه و تشدید سیاست نگاه به شرق. جناب آقای بشری، اجازه بدهید از شـما آغاز کنیم. از دوره باراک اوباما شاهد چرخش راهبردی سیاسـت خارجی آمریکا از خاورمیانه به سـمت آسیا-پاسـیفیک بودیم. این روند در دوره اول ترامـپ، دولت بایدن و حتی دوره دوم ترامپ تداوم یافت. بسـیاری معتقدند تنش پکن-واشنگتن امروز خط تعیین‌کننده نظم جهانی است و اکثر کشورها می‌کوشـند خود را در یکی از این دو بلوک تعریف کنند. ایران نیز، به‌ویژه پس از فعال‌سازی مکانیسم ماشه، به شکل جدی به سمت سیاست نگاه به شرق گرایش یافته و عملا تمام تخم‌مرغ‌های خود را در سبد روسیه و چین گذاشته است. ما پیش‌تر درباره روابط ایران و روسیه بحث کرده‌ایم؛ اکنون تمرکز ما بر چین است. بسیاری منتقد سیاست نگاه به شرق هستند؛ البته عمدتا انتقادات درباره مناسبات با روسیه بوده، اما این نقدها درباره چین نیز مطرح است. سؤالی که مطرح می‌شود، این است: آیا می‌توان روابط با چین را با متر و معیار روسیه ارزیابی کرد؟ بسیاری بر این باورند تفاوت کلان در این است که چین اساسـا نگاه اقتصادی به ایران دارد و محاسبات سیاسی-امنیتی جدی مشابه روسیه در روابطش با تهران ندارد.

اسماعیل بشری: ابتدا به آن پیشـینه‌ای که شما اشاره کردید، بپردازم. از ابتدای هزاره سـوم، آمریکا اسـتراتژی «مهار چین» را اعلام کرد و هم‌زمان با روی‌کارآمدن اوباما، تمرکز خود را از اروپا و خاورمیانه به آسیا-پاسیفیک منتقل کرد تا چین را از نظر اقتصادی و نظامی تحت کنترل نگه دارد. پیش‌بینی می‌کردند رشد اقتصادی چین به افزایش قدرت نظامی و نفوذ سیاسی آن منجر شود. ایران نیز در سیاسـت «نگاه به شـرق» همین روند را دیده و با توجه به تضاد اصلی با آمریکا، به سـمت چین گرایش یافت، هرچند لازم بـود نگاه چین به ایران هم مدنظر باشـد. در دوران پهلوی، ایران عضو سـنتو و قلاب اتصال ناتو در اروپا به سیتو در جنوب شرقی آسیا بود. پس از انقلاب و فروپاشی شوروی، ناتو باقی ماند و برنامه «مشارکت برای صلح» با کشورهای تازه استقلال‌یافته مطرح شد؛ برخی مانند ترکمنسـتان بی‌طرفی را انتخاب کردند و در سیاست خارجی موفق عمل کردند. ایران نیز به دلیل دشـمنی با آمریکا، تکیه‌ای یک‌طرفه به شـرق داشت، اما روسیه و چین هریک مسیر خود را طی کردند: روسـیه با پوتین به سـمت احیای امپراتوری تزاری حرکت کـرد و چین پس از دوران مائـو، ایدئولوژی را کنار گذاشـت و اقتصاد آزاد کنترل‌شـده را جایگزین کرد. چین مناطق آزاد اقتصادی را گسـترش داد و درهای خود را به روی سـرمایه خارجی باز کرد؛ سیاسـت خارجی خود را بیشـتر اقتصادی کرد و هدف اصلی رشد اقتصادی خیره‌کننده شد. از حدود شش، هفت سال پیش، ارتش چین نیز بر مدرن‌سازی و توان دفاعی متمرکز شد و در رژه‌های عمومی نشان داد که اکنون علاوه بر قدرت اقتصادی، به سـطح درخورتوجه نظامی نیز رسیده است. به‌این‌ترتیب چین ابتدا اقتصاد خود را از نظامیان جدا کرد، سـپس با تبدیل‌شدن به ابرقدرت اقتصادی، برنامه بلندپروازانه نظامی خود را آغاز کرد.

جناب وفایی، با توجه به همین عقبه‌ای که آقای بشری ترسیم کردنـد و با توجه به اینکه در این ۱۰ ماهی که دونالد ترامپ دوباره روی کار آمده، معادلات جنگ سـرد جدید میـان چین و آمریکا به‌شـدت پیچیده و تند شده، خیلی‌ها معتقدند ایران می‌خواهد از این شـکاف بزرگ میان پکن و واشنگتن به نفع خود استفاده کند؛ به‌ویژه بعد از فعال‌سازی مکانیسم ماشه. آیا به نظر شما ظرفیت و توان تهران به آن اندازه هسـت که واقعا بتواند از این شـکاف راهبردی بهره ببرد؟

حامد وفایی: قبـل از ورود به اصل بحث، چنـد نکته درباره مقدمه شما عرض کنم. اولین و مهم‌ترین نکته این است که باید یک بار برای همیشه این تصور را کنار بگذاریم که چین و روسیه شبیه به هم هسـتند. این دو اصلا شبیه هم نیستند و حتی رقابت‌های راهبردی بسـیار جدی با یکدیگر دارند. اشـکالی که متأسفانه در بسیاری از تحلیل‌های داخلی و حتی در ذهن برخی مقامات وجود دارد، این است که گویی دنیا به دو اردوگاه «چین+روسیه» در یک طرف و «غرب» در طرف دیگر تقسیم شده است. این تقسیم‌بندی ذهنی کاملا غلط اسـت. روسیه در بسیاری از حوزه‌ها مستقیما با ایران رقابت دارد؛ دریای خزر، آسـیای مرکزی، افغانستان و حتی سـابقه تاریخی پر از تنش ایران و روسیه که تصویر منفی عمیقی در ذهن جامعه ایرانی سـاخته، همه اینها با چین کاملا متفاوت است، بنابراین چه در سطح دوجانبه، چه در سطح معادلات کلان قدرت و چه در سطح مناسبات این دو کشور با جمهوری اسلامی، به‌هیچ‌وجه نباید چین و روسیه را در یک سبد گذاشت.

اما شـباهت‌هایی که می‌بینیم؛ مثلا وقتی روسـیه در بیانیه مشترک با کشـورهای عربی از ادعای امارات درباره جزایر سه‌گانه حمایت می‌کند و چیـن هم دقیقا همین موضع را تکرار می‌کند، یا وقتی در جنگ اوکراین از ایران به‌عنوان یک کارت بازی اسـتفاده می‌شود، اما در جنگ ۱۲روزه اخیر با اسرائیل، چین همان حمایتی را که از پاکسـتان در جنگ چهارروزه با هند کرد (ارسـال جنگنده، گفت‌وگوی علنی سـفیر چین با وزارت خارجه پاکسـتان و اعلام حمایت صریح) از ایـران نکرد. آیا این رفتارهای یکسـان و این مفصل‌بندی‌های مشترک نشـان نمی‌دهد که در نهایت می‌توان چین و روسیه را با یک متر سنجید؟

حامد وفایی: عالی، همین را می‌خواسـتم بگویم. روابط ایران با چین و روسـیه را باید در دو سطح دید، سطح دوجانبه و سطح کلان جایـگاه ایران در نظام بین‌الملل. کلیـد رابطه تهران و پکن بیش از آنکه در اختیار چین باشـد، در دست خود ایران است؛ زیرا چین تکلیفش را با ایران روشـن کرده و جایگاه تهران را در اسناد رسـمی، مواضع و رفتار عملی‌اش مشـخص کرده است. مشکل اساسی در سیاسـت خارجی ایران «تعلیق مزمن» است؛ رفتاری پاندولی که دوره‌ای به سـمت غرب و دوره‌ای به سـمت شـرق متمایل می‌شود، بی‌آنکه راهبردی منسجم و پایدار پشت آن باشد. این تصور که ایران همه تخم‌مرغ‌هایش را در سـبد چین و روسیه گذاشته، نادرست است. روابط کنونی بیشتر سلبی است تا ایجابی؛ یعنی چون مسیر غرب بسته شد، ایران به شرق روی آورد، نه اینکه جایگاه مشخصی برای چین، اروپا یا دیگر کشورها در برنامه توسعه تعریف شده باشد. حتی سـند همکاری ۲۵ساله نیز عملا برنامه نبود و بیشتر «فهرسـت آرزوها» بود. در مقابل، کشورهایی مانند پاکستان جایگاه خود را دقیق و برنامه‌مند تعریف کرده‌اند. کریدور اقتصادی چین-پاکستان، بندر گوادر و حمایت فوری چین در جنگ چهارروزه با هند، نتیجه همین رویکرد است. اما ایران پس از جنگ ۱۲روزه با اسـرائیل هنوز نگران بود کـه آیا چین نفتش را خواهد خرید یا خیر؛ نگرانی‌ای که متعلق به دهه‌های گذشته است. فهم تحریم‌های آمریـکا نیز در همین چارچوب اهمیـت دارد. هدف اصلی تحریـم جلوگیری از فروش نفت نبـود، بلکه خارج‌کردن ایـران از «زنجیره‌های ارزش جهانی» بود؛ هدفی که تا حد زیادی تحقـق یافت. چین نیز از مرحله «کارخانه جهان» عبور کرده و به سمت طراحی، تحقیق و توسـعه و برندینگ حرکت کرده است. امروز تنها کشـورهایی که در این زنجیره ارزش جدید سهم دارند -مانند امارات، پاکستان و عربستان- در حوزه امنیتی و سیاسی نیز موقعیت بهتری پیدا می‌کنند. چین در قالب ابتکار «یک کمربند-یک جاده» در حال سـاخت زنجیره ارزش جهانی جدید اسـت و ایـران از ابتدا به این طرح دعوت شـد، اما نوع حضور و مطالبات ایران نشـان می‌دهد که تهران عملا در این سـبد تعریف نشده و تعاملش با چین بیشتر به درخواسـت‌های موردی محدود شده است.

یک نکته مهم وجـود دارد. اینکه ما در یـک وضعیت ابهام هستیم و توافق ۲۵ ساله هم بلاتکلیف مانده است...

حامد وفایی: مشکل اصلی اینجاست که روابط ما با چین هنوز براسـاس نیاز واقعی و برنامه‌ریزی‌شده کشـور شکل نگرفته. من همیشه می‌گویم از دوره هخامنشـی و ساسانی تا امروز، در اسناد تاریخی چین هم ثبت است که شترهایی از ایران بار می‌بردند چین، خالی می‌کردند، بار جدید سـوار می‌کردند و برمی‌گشـتند. امروز به جای شـتر، کانتینر و کشتی شده، اما محتوا همان است؛ چیزی می‌خریم، چیزی می‌فروشـیم. چین از نظر منطق قدرت با آمریکا تفاوت چندانی ندارد. ما برای آمریکا را با صدها کتاب، ترجمه آثار کیسینجر، برژینسـکی و مطالعات آمریکایی می‌شناسیم، اما برای چین چقـدر «مطالعات چین» داریم؟ چقدر اندیشـمندان چینی، مراحل توسعه چین، ادبیات سیاسی و فرهنگی چین را می‌شناسیم؟ تقریبا هیچ. ما چین را فقط یک مغازه بزرگ دیده‌ایم و رفته‌ایم خرید کرده‌ایم و برگشته‌ایم. در همین حال، یکی از دشمنان اصلی ایران در منطقه رژیم اسـرائیل بود که تا پیش از طوفان‌الاقصی به‌شدت در حال پیشـروی در سبد توسـعه چین بود: بندر حیفا، پروژه‌های فناوری، سـرمایه‌گذاری‌های کلان. وحشی‌گری‌های اخیر اسرائیل این روند را متوقف و حتی معکوس کرد، وگرنه خطر بسـیار جدی بود که ایران از تحولات کلان منطقه جا بماند. دیشب برای همین برنامه شـما یک گزارش مفصل از یک استراتژیسـت ارشد چینی می‌خواندم. او درباره فعال‌سـازی مکانیسـم ماشـه (اسنپ‌بک) نوشته بود: «اینکه اروپایی‌ها حرف‌شان را به کرسی نشاندند و چین و روسیه نتوانستند جلوی آن را بگیرند، تقصیر چین و روسیه نیست؛ تقصیر خود ایران اسـت که تکلیفش معلوم نیست؛ یک دوره به سمت غرب می‌رود، یک دوره به سمت شرق». من در دولت قبلی هم به دوسـتان می‌گفتم: همین الان اگر آلمان یا فرانسـه بگویند «می‌آییم بازار خودروی ایران را دوباره بگیریم»، همان لحظه همه چینی‌ها را بیرون می‌کنیم و می‌گوییم آلمانی‌ها بیایند. اگر آنها هم بروند، دوباره برمی‌گردیم سراغ چین.

دو نقطه تاریخی مهم متضاد هم هسـت که تا حدی در تأیید حرف شماست. اول، سفر بسیار مهم آقای شی جین‌پینگ به تهران در اوج برجام که خیلی‌ها معتقدند آقای روحانی با برخورد سـرد فرصت طلایی را از دسـت داد و هنـوز در حافظه تاریخی پکن و شـخص آقای شی مانده. در مقابل، چین در بیانیه‌های مشترک با شورای همکاری روی جزایر سه‌گانه دست گذاشت. شما گفتید کلید «جایابی ایران» در سیاسـت خارجی چین دست خودمان است. الان دقیقا کجای نقشه راهبردی چین هستیم؟

حامد وفایـی: اولا اینکه «چین روی جزایر سـه‌گانه دسـت گذاشت» دقیق نیست. چین هیچ‌گاه نگفته جزایر متعلق به امارات است. اولین اصل روابط ایران و چین در همه اسناد رسمی «احترام متقابل به تمامیت ارضی و حاکمیت ملی» است. چین فقط گفته «دو طرف بنشینند و گفت‌وگو کنند». همین موضع را درباره جنگ ایران و اسـرائیل هم گرفت: «اختلافات را از طریق گفت‌وگو حل کنید». هرجا منافع یا امنیت ملی چین مسـتقیم در خطر نباشد، سیاست چین «بینابینی» است. ما به‌عنوان ایرانی می‌گوییم جزایر صددرصـد مال ایران اسـت و هرکس غیر این بگویـد، باید با او برخورد شـود؛ اما چین هیچ‌گاه چنین چیزی نگفته. اگر گفته بود که رابطه جمع می‌شد.

در همین حد هم ایران می‌تواند به موضوع تایوان ورود کند؟

حامد وفایی: اولا در تمام نقشـه‌های چاپ داخل که تایوان به شکل کشور مستقل نشان داده می‌شود. از طرف دیگر، آیا ما تا به حال یک صفحه سند یا کتاب به زبان چینی درباره حقانیت تاریخی و حقوقی ایران بر جزایر سه‌گانه به چینی‌ها داده‌ایم؟ درحالی‌که عربسـتان و امارات کلی محتوای چینی، موزه مشترک، همکاری تمدنی و لابی فرهنگی انجام داده‌انـد. ما انتظار داریم همه دنیا بیایند کمر به خدمت ما ببندند، اما خودمان هیچ کاری نمی‌کنیم. جالب اینکه موضع رسمی جمهوری اسلامی هم همین است که «ما آمادگی گفت‌وگو با امارات را داریم». پس چین دقیقا همان را تکرار کرده است.

جناب دکتر بشـری، برگردیم به تحلیل تاریخی شـما. بعد از بازگشت دونالد ترامپ، فشارها آن‌قدر زیاد شده که شی جین‌پینگ که قبلا می‌گفتند «پوتین دوم» نخواهد شد و «تایوان، اوکراینِ چین نخواهد شد»، حالا ادبیاتش کاملا تغییر کرده است؛ بزرگ‌ترین رژه نظامی تاریخ چین را برگزار کرد، تقریبا همه تسلیحات استراتژیک را به نمایش گذاشت، پوتین و پزشکیان و سران زیادی را هم دعوت کرد. آیا واقعا شی در حال پوست‌اندازی نظامی-امنیتی است و ما هم ناچاریم در این دوگانه جهانی یک طرف را انتخاب کنیم؟

اسماعیل بشری: چین هنوز بیشـتر «نمایش» قدرت می‌دهد تـا اینکه بخواهد واقعا درگیر جنگ شـود. نگاه پکن به مسـئله تایوان همچنان الگویی شـبیه هنگ‌کنگ و ماکائو اسـت؛ یعنی به‌جای توسـل به جنگ، بـر ایجاد زمینه‌های داخلی، گسـترش ارتباطات دوفاکتو، حمایـت از جریان‌های متمایل به همکاری با سـرزمین اصلی و تأثیرگذاری بر انتخابات تایوان تکیه دارد. هیچ نشـانه‌ای وجود ندارد که چین بخواهد قدرت نظامی رو به رشد خـود را به اقدام تهاجمی تبدیل کند؛ زیـرا می‌داند یک جنگ در تنگه تایوان می‌تواند تمام برنامه‌های اقتصادی و بلندپروازانه‌اش را نابود کند. حجم صادرات چیـن به آمریکا بیش از ۴۰۰ میلیارد دلار و به اتحادیـه اروپا نزدیک ۵۰۰ میلیارد دلار اسـت. هرگونه حمله به تایوان می‌تواند تحریم گسترده کالاهای چینی و از دست رفتن این بازارهای حیاتی را به دنبال داشته باشد. به همین دلیل، چین ضمن تقویت توان نظامی و نمایش آن، در عمل رفتار بسیار محتاطانه‌ای دارد. مبادلات کشورهایی مانند ایران با چین هرچند مهم است، اما در سطحی نیست که عدم خرید یا فروش ناگهانی بخواهد اقتصاد چین را مختل کند؛ درحالی‌که آمریکا و اروپا قادر به چنین کاری هسـتند. بر همین اساس، پیش‌بینی می‌شود چین در کوتاه‌مـدت و میان‌مدت به تایوان حمله نکند و وضعیت را در حالت تعلیق نگه دارد. از سـوی دیگر، آمریکا و اتحادیه اروپا نیز رسـما تایوان را کشور مستقل نمی‌شناسند. از زمان سفر کیسینجر و به رسمیت شناخته‌شدن چین به‌عنوان «نماینده واحد چین» در سازمان ملل، تایوان حتی در المپیک با نام «چاینیز تایپه» و با پرچم جداگانه شرکت می‌کند؛ مشابه بسیاری از مناطق غیرمستقل دیگر. بنابراین چین هنوز وارد فاز تهاجمی نشده و ترجیح می‌دهد مسئله تایوان را بدون جنگ مدیریت کند.

دعوت هم‌زمان از پوتین و پزشـکیان در رژه بزرگ ۲۰۲۵ چه معنایی دارد؟ آیا واقعا شـی جین‌پینگ در حال بارگیری برای یک بلوک جدید است؟

اسـماعیل بشـری: این دعوت‌ها در چارچوب اجلاس سران سازمان همکاری شـانگهای (SCO) بود. شانگهای اساسا پیمان نظامی مثل ناتو نیسـت؛ حتی ماده ۵ نـدارد که اگر به یک عضو حمله شد همه وارد جنگ شوند. در ابتدا صرفا یک پیمان امنیتی منطقه‌ای برای مبارزه با تروریسم و به‌ویژه افراط‌گرایی اسلامی در آسیای مرکزی بود؛ همه کشورهای عضو (تاجیکستان، قرقیزستان، ازبکسـتان، حتی روسیه به خاطر چچن و تاتارستان) از این تهدید احسـاس خطر می‌کردند. بعدا بُعد اقتصـادی هم به آن اضافه شد. به همین دلیل در شانگهای کشورهایی کاملا متضاد کنار هم نشسته‌اند؛ هند، پاکستان، ایران و... این نشان می‌دهد که شانگهای بیشتر یک پلتفرم همکاری است تا یک اتحاد نظامی سخت.

جناب دکتر بشری، با توجه به همین نکته‌ای که جناب وفایی هم گفتند، «جای‌گذاری ایران در سیاسـت خارجی چین» را شما الان کجای نقشه راهبردی چین می‌بینید؟

اسماعیل بشـری: ما خودمان با سیاست‌های پراکنده و گاهی متناقض، موقعیت ژئوپلیتیک فوق‌العاده‌مان را پیچیده کرده‌ایم. جایی که نباید خیلی فعال می‌شـدیم، بیش از حد فعال بودیم و جایی که باید حضور جدی و برنامه‌ریزی‌شـده می‌داشتیم، غایب بودیم. در نتیجه امروز چینی‌ها به ایران آن نگاهی را که به پاکستان دارند، ندارند.

پس همان جمله معروف را که «ایران هم برای چین فقط یک کارت بازی اسـت، مثل روسیه» قبول دارید؟ یعنی واقعا این‌قدر ضعیف شده‌ایم؟

اسـماعیل بشری: متأسفانه در حال حاضر بله، ما عملا کارت بازی شده‌ایم. چین و روسیه ما را «معامله» می‌کنند. همین مسئله جزایر سـه‌گانه را ببینید؛ چین برای اینکه دل امارات و عربستان را به دسـت بیاورد و پروژه‌های چندصد میلیارد دلاری آنجا بگیرد، حاضر است در یک بیانیه مشترک چند کلمه مبهم بنویسد. برای پکن، امارات و عربستان از ایران مهم‌تر هستند. حتی جالب است بدانید چین در جیبوتی (دریای سـرخ) پایگاه نظامی دائمی دارد؛ پایگاه اصلی سـابق فرانسـوی‌ها و آمریکایی‌ها. چین برای نفوذ در آفریقا و کنترل تنگه باب‌المندب آنجا پایگاه زده اسـت. گاهی احسـاس می‌کنم نگاه چین به جیبوتی از نظر استراتژیک حتی از ایران پررنگ‌تر است؛ چون یک مسیر حیاتی را کنترل می‌کند.

اما اول بحث خودتان گفتید ظرفیت ژئوپلیتیک ایران هیچ‌گاه از بین نمی‌رود، ما همچنان شـاهراه شمال-جنوب و شرق-غرب هسـتیم. چرا نتوانسـته‌ایم از همین ظرفیت برای چین استفاده کنیم؟

اسـماعیل بشـری: دقیقا، مشـکل اصلی از ماسـت. ما باید اولویت‌های سیاست خارجی‌مان را بازنگری کنیم. من مثل جناب وفایی معتقدم مشـکل بیشـتر از خودمان است، نه چین. ما هنوز تصمیم قطعـی و پایـدار نگرفته‌ایم. ایـران به‌خاطر موقعیتش همیشـه باید «نیروی موازنه‌بخش» منطقه باشـد، نه اینکه کاملا به یک سمت بغلتد. ما یک دکان دونبش بسیار گران‌قیمت داریم، اما به‌جای یک فروشـگاه ممتـاز، بنجل‌فروشـی راه انداخته‌ایم! می‌توانستیم سود بسـیار بالایی ببریم، اما سود اصلی را نبرده‌ایم. نه موازنه مثبت قاجاری (امتیازدادن به هر دو طرف) درست است، نه موازنه منفی مصدقی (نه شرقی نه غربی کامل)؛ باید سیاستی داشـته باشـیم که «سـود ملی» را حداکثر کند. اگر نگاه به شرق می‌کنیم، هم‌زمان نیم‌نگاهی به غرب هم داشته باشیم و بالعکس.

جناب دکتر وفایی، یک انتقاد بسیار جدی به سیاست نگاه به شرق، بحث «تله بدهی» است. خیلی‌ها سریلانکا را مثال می‌زنند و می‌گویند همان اتفاق برای قرارداد ۲۵ ساله ممکن است بیفتد. آیا واقعا این خطر وجود دارد؟

حامد وفایی: اول دو نکته کوتاه درباره بحث قبلی؛ اولا چینی‌ها دقیقا همان‌طور که اسـتاد فرمودند، پارادایم قدرت را که آمریکا پس از جنگ سرد بنا کرده بود (پارادایم امنیتی-نظامی) به پارادایم ثروت و اقتصاد تبدیل کردند. این را نه از سـر خیرخواهی، بلکه از سـر واقع‌بینی کردند؛ چون می‌دیدند در حوزه نظامی هنوز خیلی عقب‌تر از آمریکا هستند (ناو هواپیمابر، زیردریایی اتمی، پایگاه‌های جهانـی و...). بنابراین زمین بازی را به حـوزه‌ای بردند که در آن مزیت مطلق دارند.

یعنی جنگ عناصر کمیاب، هوش مصنوعی و...

حامد وفایی: کلا اقتصاد و فناوری. جالب اینجاسـت که امروز ترامپ هم ناخواسته وارد زمینی شده که چینی‌ها تعریف کرده‌اند؛ جنگ تعرفه، جنگ تراشه، جنگ مواد معدنی کمیاب. چین در این زمین‌ها دسـت بالا را دارد و حتی ترامپ را وادار به عقب‌نشـینی کرده است. نکته دوم اینکه بعید است چین به تایوان حمله کند. جالب اسـت که وقتی خانم نانسی پلوسی رفت تایوان و چین آن مانور عظیم را برگزار کرد و حتی نقشه‌های عملیاتی و مسیر پرواز موشک‌های کروز را منتشـر کرد، رسانه‌های داخلی تایوان را نگاه می‌کردم، مردم عادی اصلا جدی نگرفته بودند. خود تایوانی‌ها هم می‌دانند که این فقط یک «تله امنیتی» و استخوان لای زخم است که فعلا بماند. اولویت اول چین توسـعه اقتصادی اسـت؛ بعید است به این زودی‌ها به تایوان حمله کند. مدل هنگ‌کنگ و «یک کشور، دو نظام» را خیلی بیشتر دوست دارند. در داخل تایوان هم چند جناح وجود دارد؛ جناح رادیکال و غرب‌گرا الان سر کار است و سـعی می‌کند وابسـتگی اقتصادی به چین را کنترل کند، چون می‌داند اگر از یک حدی بگذرد، عملا ادغام بدون شلیک حتی یک گلوله انج